

شکایت غنی از پاکستان در مهمترین کنفرانس بین المللی:

پاکستان تنها مانع صلح است



صفحه ۶

حملة تند سرور دانش
بر جنبش روشنایی

صفحه ۶

چرا ناتو حکومت وحدت
ملی را موفق می داند؟

صفحه ۳

پروژه حفظ و مراقبت، مصرف یکماهه فامیل را فراهم کرد

برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، بخاطر تقویت بنیه اقتصادی مردم بی بضاعت کشور و ایجاد زمینه های اشتغال برای آنها در اواخر سال پار توسط رهبری حکومت وحدت ملی افغانستان اعلام گردید. وزارت احیا و انکشاف دهات زیر چتر همین برنامه ملی، پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی را در اکثر ولایات کشور آغاز نمود تا از طریق آن بتواند برای مردم روستا های کشور زمینه های اشتغال، دسترسی به معاش و همچنان حفظ و مراقبت و بازسازی پروژه های قابل ترمیم برنامه همبستگی ملی را فراهم سازد.

قابل تذکر است که وزارت احیا و انکشاف دهات در گذشته نیز به منظور رشد و انکشاف همه جانبه اجتماعی - اقتصادی روستا های کشور، همواره، پروژه های متنوع عام المنفعه را در دستکوره های مختلف عملاً تطبیق نموده و زمینه های رفاه و آسایش را برای ده نشینان کشور مهیا ساخته است. چنانچه صرف هزینه بیش از (۸۱۴۰۸۵۴۸۹۰۵) افغانی در رابطه با تطبیق و بهره برداری (۸۰۷۹۲) پروژه عام المنفعه برنامه همبستگی ملی این وزارت، اعم از تطبیق پروژه های متعدد سرک شبکه های آبرسانی و کانالهای آبیاری زراعتی در روستاهای سراسر کشور، توانسته است روستاییان ما رونما سازد.

حفظ و مراقبت پیگیر، نیازمبرم دارد و این همبستگی ملی، تحقق می یابد. در واقع تقویت بنیه اقتصادی روستاییان کشور بوده مزایای اقتصادی آن بهره ور شده و میشوند. در شورای انکشافی قریه «الهندی نوآباد» به خوبی نگریست. قریه متذکره حدود (۲) و متشکل از (۲۴۹) فامیل میباشد.

مبلغ (۶۴۰۰۰۰) افغانی برای قریه ما پول توانستیم سرک های داخل قریه خود را (۶۷۸) متر جوی را کندکاری نماییم. با تطبیق مردم بیکار و بی بضاعت قریه ایجاد گردید که مردم قریه ما میباشد. «الهندی نوآباد که مصرف کار در پروژه سرک



البتة تداوم و ماندگاری این پروژه ها به هدف نیروسیله پروژه حفظ و مراقبت برنامه، هدف اساسی این پروژه ایجاد اشتغال و واکنون هزاران تن از هموطنان روستایی ما از یکی از مثال های این دستاورد موفق را ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب میتوان

کیلومتر از مرکز ولسوالی فاصله داشته فخرالدین رییس شورای قریه الندی نوآباد «در برنامه حفظ و مراقبت و اشتغال زایی اختصاص یافته بود که ما با استفاده از این به طول (۳۰۰۰) متر ترمیم، جغل اندازی و این پروژه ها، حدود بیشتر از یک ماه کار برای در این فصل بیکاری، کمک خوبی برای محمد عالم (۴۲) ساله یکتا از باشندگان قریه قریه شان بود، گفت:

«ما از پروژه حفظ و مراقبت و اشتغال زایی راضی هستیم. بیش از (۱۰) روز میشود که من شامل کار شده ام. قبلاً بیکار بودم و جهت یافتن کار به بازار ولسوالی میرفتم، اما به جز یکی دوازده هفته، بقیه روز های هفته را بیکار میماندم. حال خیلی خوش استم که هم سرک قریه خود را آباد میسازیم و هم از مزد کار در این پروژه، مواد اولیه یکماهه فامیل خویش رانیز فراهم میکنم. چون نفقه و خرج یکماهه فامیل از کار این پروژه تأمین میشود، لهذا بعد از تکمیل کار این پروژه، به مدت یک ماه دیگر به خاطر آرام میتوانم جهت کار به سایر جاها سفر نمایم.»

تداوم تطبیق پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، اکنون مردم روستا های کشور را امیدواری بخشیده است تا در قریه های شان با دلگرمی زیست نموده و بخاطر کار به جاهای دیگر و خصوصاً به خارج از کشور، مسافرت نمایند.

احمد عمران



سخن ماندگار

موضع درست دولت وحدت ملی در وارسا

نشست وارسا با موفقیت به پایان رسید. در این نشست، افغانستان بار دیگر در محراق توجه جهان قرار گرفت. نشست وارسا به گونه واضح چند پیام روشن داشت: جهان به ادامه کمک به نیروهای امنیتی افغانستان و مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی تعهد می‌سپارد و رقم این کمک‌ها به پنج میلیارد دلار می‌رسد.

در این نشست همچنین تأکید شد که افغانستان در مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی تنها نیست؛ جامعه جهانی به گونه یک‌پارچه از کابل حمایت می‌کند.

برای نخستین بار در این نشست رهبران دولت افغانستان در حضور رهبران جهان و ناتو از پاکستان شکایت کردند. رئیس‌جمهوری به گونه صریح گفت که تنها پاکستان در راستای تأمین صلح در افغانستان همکاری نمی‌کند. به این ترتیب، پاکستان در نشست ناتو منزوی شد و ظاهراً جامعه جهانی نسبت به این کشور بدبین شده است. واکنش اسلام‌آباد به اظهارات رئیس‌جمهوری کشور، نشان‌دهنده این تحلیل و هراس پاکستان از پیامد نشست وارسا است. از سوی دیگر اما در نشست وارسا کمک‌های جهانی مشروط به اصلاحات شد؛ اصلاحات انتخاباتی، مبارزه با فساد و تأمین حقوق بشر. مسلماً جامعه جهانی در پانزده سال پسین کمک‌های بدون حساب و کتاب به افغانستان کرد. این کمک‌ها فساد آفرین بودند؛ عده‌یی از برکت این پول‌ها میلیاردی شدند اما اکثریت همچنان گرسنه ماندند. از این رو در نشست وارسا، بر حساب‌دهی از این کمک‌ها تأکید شد؛ یعنی از این پس جهان از کمک‌هایش حساب می‌گیرد.

همچنین در این نشست، اکثریت کشورها بر ادامه حضورشان در افغانستان تأکید ورزیدند. این اقدام باعث ناامیدی گروه‌های هراس افکن و همسایه جنوب شرقی کشور شده است. پیش از برگزاری نشست وارسا، به نظر می‌رسید که جامعه جهانی دیگر به گونه مستقیم در جنگ سهم نمی‌گیرد؛ اما نشست وارسا این پیش‌بینی‌ها را غلط ثابت ساخت. رئیس‌جمهور غنی و دکتر عبدالله عبدالله رئیس‌اجرائی - به رغم اختلافاتی که در نحوه حکومت‌داری با هم دارند - در این نشست به گونه منظم و واحد ظاهر شدند. آن‌ها پیام همکاری و وحدت داشتند. این حالت با استقبال جهانی رویه‌رو شد و رهبران جهان از رهبران دولت وحدت ملی به‌خاطر همکاری و کار مشترک در زمینه حکومت‌داری و... ستایش کردند. اما حالا این دولت افغانستان است که باید از این فرصت‌ها و زمینه‌ها برای مبارزه با تروریسم استفاده کند.

پی‌گیری شکایت از پاکستان توسط رئیس‌جمهور غنی و دکتر عبدالله، یکی از راه‌هایی است که می‌تواند کشورهای منطقه و جهان را آهسته‌آهسته در برابر پاکستان قرار دهد. موقف درست رهبران دولت وحدت ملی در برابر پاکستان در نشست وارسا، نخستین اقدام لازم دولت در برابر پاکستان بوده است و این می‌تواند به معنای تغییر دیدگاه دولت افغانستان در برابر پاکستان باشد.

پیش از این، در سطح ملی از پاکستان انتقاد می‌شد ولی در سطح بین‌الملل هیچ‌گاه از پاکستان شکایت صورت نگرفته بود. اما حالا که رهبران دولت وحدت ملی چنین شکایتی را مطرح کرده‌اند، در واقع برای نخستین بار در یک فرصت مهم در برابر پاکستان موضع‌گیری شفاف صورت گرفته و این خود به معنای حقانیت دیدگاه‌های مردم افغانستان است. اکنون کشورهای عضو ناتو و جامعه جهانی باید شکایت‌های دولت افغانستان در برابر پاکستان را بشنوند. در عین حال، دولت وحدت ملی باید استراتژی مبارزه با تروریسم را تدوین کند که یک بخش آن، باید استراتژی موضع‌گیری صریح در برابر کشورهایی باشد که به حمایت از تروریسم دل بسته‌اند و به آن می‌پردازند.

خوشبختانه افغانستان حالا با توجه به تحولات جاری در جهان و جنگ جهانی با تروریسم، در موضع برتری نسبت به پاکستان قرار گرفته و با توجه به رویکردهایی که در عربستان سعودی و دیگر بخش‌های جهان اتفاق افتاده است، پاکستان در بدترین وضعیت ممکن به سر می‌برد. در چنین شرایطی، دولت افغانستان باید با پی‌گیری جدی شکایت از پاکستان، این کشور را بیش از این مورد فشار قرار دهد و خود را در مدار توسعه سیاسی و اقتصادی جهان قرار دهد.

گل امیدواری

از دامن وارسا

در ترازوی عقل قرار دهیم. با احساسات و حرف‌های بدون پشتوانه عملی، نمی‌توان برای افغانستان خوش‌بختی رقم زد.

تجربه سال‌های هفتاد نشان داد که در نبود همکاری‌های جهانی، افغانستان به دلایل زیاد در ورطه درگیری‌های خونین قرار می‌گیرد. مگر در آن سال‌ها خارجی‌ها در افغانستان حضور داشتند که برخی گروه‌ها به دستور پاکستانی‌ها در افغانستان علیه دولت مشروع و قانونی آن اعلام جنگ کرده بودند، آن‌هم در وضعیتی که دولت تازه تأسیس یافته حتی قادر نبود که میزان نیروها و توانایی‌هایش را برآورد کند؟

بدون شک، اگر کمک‌ها و همکاری‌های جامعه جهانی نباشد، افغانستان به آن دوران برمی‌گردد. وقتی رئیس‌جمهور غنی در نشست وارسا می‌گوید که همه کشورهای منطقه در امر مبارزه با تروریسم در کنار افغانستان قرار دارند به جز پاکستان، چرا این کشور چنان برافروخته می‌شود که دست به واکنش می‌زند؟ مگر غیر از این است که پاکستانی‌ها تا به حال در امر مبارزه با تروریسم و بدامنی‌ها دوست افغانستان نبوده‌اند؟

واکنش مقام‌های پاکستانی به اظهارات آقای غنی نشان داد که این کشور همچنان با گروه‌های دهشت‌افکن دست در یک کاسه دارد. به نظر می‌رسد که سخنان آقای غنی نقطه عطفی را در تغییر سیاست‌های افغانستان در رابطه با پاکستان رقم خواهد زد. این سخنان بدون شک با استقبال مردم افغانستان مواجه می‌شود؛ زیرا مردم از سال‌های زیادی انتظار داشتند که رهبران‌شان در رابطه با پاکستان به عنوان اصلی‌ترین عامل ناامنی‌های افغانستان، چنین برخورد کنند. این سیاست را باید ستود و منتظر تعمیق آن در دیگر عرصه‌ها هم بود؛ چرا که فقط با حرف نمی‌شود به هدف‌های اصلی خود برای غلبه بر تروریسم و ناامنی‌ها نایل آمد.

واکنش مقام‌های پاکستانی به اظهارات آقای غنی نشان داد که این کشور همچنان با گروه‌های دهشت‌افکن دست در یک کاسه دارد. به نظر می‌رسد که سخنان آقای غنی نقطه عطفی را در تغییر سیاست‌های افغانستان در رابطه با پاکستان رقم خواهد زد. این سخنان بدون شک با استقبال مردم افغانستان مواجه می‌شود؛ زیرا مردم از سال‌های زیادی انتظار داشتند که رهبران‌شان در رابطه با پاکستان به عنوان اصلی‌ترین عامل ناامنی‌های افغانستان، چنین برخورد کنند. این سیاست را باید ستود و منتظر تعمیق آن در دیگر عرصه‌ها هم بود؛ چرا که فقط با حرف نمی‌شود به هدف‌های اصلی خود برای غلبه بر تروریسم و ناامنی‌ها نایل آمد.

نیروهای هوایی قوی در افغانستان اجتناب ورزید. این‌بار اما وضع به گونه‌یی رقم خورده که نمی‌توان از این مسأله به‌ساده‌گی عبور کرد. حالا تعداد نظامیان خارجی در کشور به حداقل خود رسیده و کار تأمین امنیت و مبارزه با تروریسم، یک‌سره به دوش نیروهای امنیتی افغانستان قرار گرفته است. اگر این نیروها به نحو درست تجهیز نشوند، بدون تردید دستاورد چندانی در تأمین امنیت و مبارزه با تروریسم به‌دست نخواهیم آورد. برخی گروه‌ها و جناح‌ها احتمالاً ادامه حضور ناتو را به فال نیک نگرفته‌اند. گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی که قرار بود در یک تفاهم با دولت وحدت ملی، دست از مخاصمت بردارد و به روند صلح بپیوندد، با طرح این‌که زمان خروج نیروهای خارجی در اسرع وقت باید مشخص شود، از پذیرش صدای صلح خودداری ورزید و گفت تا زمانی که سربازان خارجی در افغانستان حضور داشته باشند، به این کشور نخواهد آمد. این‌گونه برداشت‌ها از حضور نیروهای خارجی آن‌هم در زمانی که عملاً افغانستان در جنگ اعلام‌ناشده با پاکستان قرار دارد، نه تنها واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسند که حتی نسبت به نیت پشت پرده این افراد و جناح‌ها نیز سوال‌هایی را مطرح می‌سازند. در زمانی که طالبان به حمایت استخبارات و برخی حلقه‌های رهبری پاکستان بر طبل جنگ می‌کوبند، چگونه ممکن است که افغانستان را در وضعیت شکننده و رو به افول قرار داد؟ واقع‌بینی این است که باید شرایط را بسنجیم و سود و زیان‌های یک مسأله را

گزارش‌هایی که در مورد افغانستان از متن و حواشی نشست اعضای ناتو در شهر وارسای پولند به گوش می‌رسند، امیدوارکننده‌اند. گویا یک بار دیگر جهان مشکل تروریسم و تبعات آن را می‌خواهد به گونه جدی بررسی کند و تصمیم‌های تازه‌یی در مبارزه با آن روی دست گیرد. بخشی از آجندای نشست ناتو، به بررسی مسایل افغانستان و ادامه کمک‌های جهانی به این کشور اختصاص یافته و انتظار می‌رود که این بار به‌صورت همه‌جانبه جامعه جهانی به تمویل نیروهای امنیتی کشور همت گمارد.

گفته می‌شود که ناتو از ادامه حضور خود تا سال ۲۰۲۰ میلادی در افغانستان در این نشست اطمینان داده است. اما در کنار این ادامه حضور ناتو در افغانستان برای یک مدت طولانی، این کشور نیاز دارد که برای ایستادن روی پای خود، نیروهای امنیتی مجهز و مطمئن در اختیار داشته باشد. این امر زمانی میسر است که جامعه جهانی و به‌ویژه کشورهای عضو ناتو در فراهم‌سازی امکانات به نیروهای امنیتی افغانستان به گونه دقیق وارد اقدام شوند.

طی پانزده سال گذشته، بیشترین رنج مردم افغانستان از این ناحیه بود که به‌رغم ایجاد نیروهای امنیتی قابل توجه، این نیروها به جنگ‌افزارهای قوی‌یی که بتواند آن‌ها را در مبارزه با گروه‌های تروریستی یاری رساند، مجهز نشده‌اند. بارها و بارها بحث تمویل نیروهای امنیتی به‌ویژه در عرصه هوایی مطرح شد، ولی به گونه‌هایی جامعه جهانی از ایجاد

چرا ناتو حکومت وحدت ملی را موفق می‌داند؟

..... **ناجیه نوری**

لحن نرم‌تر حکومت وحدت ملی سبب شده تا سران ناتو، بدون در نظر داشت ناکامی‌های عبدالله و غنی از کارکردهای حکومت وحدت ملی ستایش کنند. شماری از نمایندگان مجلس و استادان دانشگاه به این باور اند که سران ناتو حکومت وحدت ملی را حکومت مطیع‌تر از کرزی یافتند و به همین دلیل کارکردهای عبدالله و غنی را ستودند. اما شماری از نهادهای مدنی می‌گویند، کرزی فرمانبردارتر از غنی بود و پول‌هایی را که برای خراب کردن انتخابات به مصرف رسانید؛ از امریکایی‌ها دریافت کرده بود. آنان تاکید کردند: خوشنودی سران ناتو از حکومت وحدت ملی به این منظور بود که به متحدان خود بقبولانند که در افغانستان همه چه تحت کنترل است و هیچ مشکلی وجود ندارد. این واکنش‌ها پس از آن ابراز می‌شود که بارک اوباما در نشست سران ناتو در وارسا از کارکرد حکومت وحدت ملی ابراز خوشنودی کرده و کارکردهای حکومت غنی و عبدالله را ستود. نشست سران کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای ادامه کمک‌های نظامی این سازمان برای نیروهای دفاعی و امنیتی کشور روز (جمعه ۱۸ سرطان در وارسا پایتخت لهستان) برگزار گردید. در این نشست که برای دو روز برگزار شده بود، رئیس‌جمهور اشرف غنی، عبدالله عبدالله رییس اجرایی و شماری از وزرای کابینه حکومت وحدت ملی اشتراک کرده بودند. در این نشست سران ناتو و امریکا از کارکردهای حکومت وحدت ملی ابراز رضایت کرده و آن را ستودند. اما عارف رحمانی عضو مجلس نمایندگان به این باور است که لحن نرم‌تر حکومت وحدت ملی سبب شده تا سران ناتو از کارکردهای عبدالله و غنی، بدون در نظر داشت اینکه آنان برای افغانستان چه کردند، از آنان ستایش کنند. رحمانی گفت: بدون شک یک سری اقدامات سوری انجام شد، مثلاً چند تا افراد متهم به فساد زندانی و



چند تروریست اعدام شدند و همین برای سران ناتو کافیت، زیرا غربی‌ها سطحی نگرند و عمق ماجرا برای شان مهم نیست. به گفته این عضو مجلس نمایندگان: غربی‌ها از حکومت‌های مطیع‌تر و فرمانبردارتر در افغانستان راضی می‌شوند که حکومت وحدت ملی این ویژگی‌ها را دارد. او تصریح کرد: حکومت وحدت ملی برخلاف حکومت کرزی که لحن تندتری با غربی‌ها داشت، برخورد بسیار ملایم‌تری دارد. وی تاکید کرد: حکومت کرزی تا آخرین روزهای عمر خود، با نارضایتی تمام و حتا تا سرحد دشمنی با غربی‌ها برخورد داشت. اما عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه مدنی می‌گوید: حکومت کرزی فرمانبردارتر از حکومت غنی بود، نباید فراموش کرد که هر دو (غنی و کرزی) توسط غربی‌ها شخصیت شدند. به باور رییس مجتمع جامعه مدنی: غربی‌ها بودند این‌ها را به مردم افغانستان دانشمند و متفکر معرفی کردند، در حالیکه این‌ها شخصیت‌ها ملی و متفکر نیستند، بنابراین برای سران ناتو، کرزی و غنی هیچ تفاوتی ندارد. او گفت: حکومت کرزی ضد امریکایی شده بود نه ضد غربی؛ اما آخرین پول‌های را که کرزی برای



خراب کردن انتخابات مصرف کرد، پولی بود که از امریکایی‌ها به دست آورده بود. به باور رییس مجتمع جامعه مدنی: برای سران ناتو اهداف خودشان مهم است و اینکه به متحدان خود بقبولانند که در افغانستان خیرت است. به گفته رفیعی: بحران افغانستان باید یک بحران سطحی به نظر برسد، به این معنا که همه چیز در افغانستان تحت مدیریت است، همان‌طور که کندز تحت مدیریت بود. او تاکید کرد: خوشنودی سران ناتو از حکومت وحدت ملی هم به این معناست که در افغانستان همه چه تحت کنترل است و هیچ مشکلی وجود ندارد. با این حال، طاهر هاشمی استاد دانشگاه کابل می‌گوید: زمانیکه رابطه امریکا با حکومت کرزی خراب شد، حکومت افغانستان فاسدترین حکومت دنیا خوانده شد؛ در حالیکه حکومت وحدت ملی هیچ کام موثری برای مبارزه با فساد، برگزاری انتخابات، توزیع تذکره‌های برقی و... بر نداشته، اما سران ناتو کارکردهای حکومت وحدت ملی را ستود. او تاکید کرد: چون افغانستان متحد ناتو است؛ بنابراین باید از این حکومت هرچند که ناکام هم است ستایش کنند تا بتوانند از آن در برابر چین و روسیه استفاده کنند. استاد هاشمی به این باور است که چون تروریسم از



مرز افغانستان بیرون شده و پاکستان هم در راستای مبارزه با تروریسم صادق نیست؛ بنابراین سران ناتو حکومت افغانستان را بهترین گزینه برای سرکوب تروریسم می‌دانند. او همچنان گفت: سران ناتو برای کنترل ایران و جلوگیری از پیشرفت‌های چین و روسیه به افغانستان ضرورت دارند؛ بنابراین مهم همین اهداف شان است که باید عملی شود. به گفته استاد هاشمی: صحبت‌ها و اظهار نظرها بر اساس منافع کشورهای کمک کننده فورمول بندی می‌شود، نه بر مبنای مشکلات و چالش‌های کشور دریافت کننده کمک. این استاد دانشگاه افزود: پس برای سران ناتو کارکردهای حکومت وحدت ملی حول محور منافع آنان مهم است نه مشکلات داخلی که افغانستانی‌ها با آن مواجه اند. این درحالیست که سران ۲۸ کشور عضو ناتو و ۲۶ کشور همکار با حضور نمایندگان اتحادیه اروپا و سازمان ملل و بانک جهانی برای شرکت در نشست سالانه ناتو گرد آمدند و یکبار دیگر بر کمک و همکاری‌های شان با افغانستان تعهد کردند و وعده سپردند که سالانه پنج میلیارد دالر برای کمک به نیروهای امنیتی افغانستان کمک می‌کنند.

مجلس سنا:

تعهدات ناتو ثبات سیاسی را تقویت می‌بخشد



هارون مجیدی

اعضای مجلس سنا از تعهدات ناتو برای ادامه کمک‌هایش به افغانستان استقبال کرده گفتند که تجدید تعهد ناتو برای کمک به نیروهای امنیتی ثبات سیاسی را در کشور تقویت می‌بخشد.

کشورهای عضو ناتو در ادامه کمک‌های شان به افغانستان تعهد سپرده‌اند که تا سال ۲۰۲۰، سالانه مبلغ ۵ میلیارد دالر را به نیروهای امنیتی افغانستان کمک کنند. این تعهد در نشست سران این سازمان در شهر وارسای پولند سپرده شده و اعضای این سازمان گفته‌اند که در کنار افغانستان باقی خواهند ماند. بخش عمده کمک‌ها از سوی ایالات متحده امریکا تأمین می‌شود و بخش کوچک‌تر آن از سوی کشورهای دیگر عضو ناتو فراهم خواهد شد. فرهاد سخی معاون اول مجلس سنا گفت که تعهد ادامه کمک‌های ناتو به افغانستان در نشست وارسا پیام واضح به تمامی طرف‌های سیاسی، مخالفین مسلح و نظامیان پاکستان داشت که افغانستان تنها نیست و مورد حمایت جهانی قرار دارد. معاون اول مجلس سنا همچنان گفت: حال دولت افغانستان باید تعهدات خود را به ویژه در راستای مبارزه با فساد عملی سازد تا بتواند در آینده اعتماد کشورهای کمک‌کننده را جلب کند. حسیب‌الله کلیم‌زی معاون دوم مجلس سنا نیز گفت: "حمایت قاطع ناتو از افغانستان در نشست وارسا قوت تازه به ثبات سیاسی افغانستان داد و پیام واضح به مخالفان به ویژه طالبان داشت که دیگر اجازه نمی‌دهند جغرافیایی را در افغانستان تحت کنترل خود گرفته و حکومت خود را اعلام کنند." به گفته آقای کلیم‌زی، هرچند دولت افغانستان در نشست وارسا دلایل موجه برای عملی کردن تعهدات خود نداشت، ولی روی کاغذ به چیزهای خوبی وعده داد و باید به این وعده‌هایش به ویژه در راستای مبارزه با فساد جامه عمل بپوشاند. عبدالرحیم حسن‌یار دیگر عضو مجلس سنا نیز گفت: "ادامه کمک مالی ناتو به مبارزه دولت افغانستان با فساد مشروط شده و امیدواریم که حکومت برخورد مناسب با فساد پیشه‌گان داشته باشد و در این راستا صادقانه عمل کند و گر نه کمک ۴.۵ میلیارد دالری ناتو درد ملت را دوا نخواهد کرد و این پول باز هم به جیب مافیا خواهد رفت."

آقای حسن‌یار تاکید ورزید که حکومت افغانستان تا هنوز در مبارزه با فساد ناکام بوده و امید که پس از این تغییرات جدی را در این زمینه به نمایش بگذارد. در عین حال، تعهد جدید ناتو مبنی بر ادامه حمایت‌هایش از حکومت افغانستان واکنش‌های برخی از جریان‌های سیاسی را نیز در پی داشته است. انور الحق احدی، عضو پیشین کابینه افغانستان و رهبر جبهه نوین ملی افغانستان در واکنش به ادامه کمک‌های ناتو به دولت وحدت ملی تا سال ۲۰۲۰ گفت که نشست ناتو نمی‌تواند مشکل بحران مشروعیت دولت وحدت ملی را حل کند بلکه این مردم هستند که می‌توانند به دولت مشروعیت دهند. آقای احدی دیروز در یک نشست خبری اعلام کرد که دولت باید برای رفع بحران مشروعیت خود اقدام کند و نارسایی‌های که در دولت وحدت ملی افغانستان وجود دارد نیاز به «اجماع ملی» دارد. احدی، گفت‌وگوهای صلح و تأمین امنیت را شرط اساسی پایان معضلات، مشکلات و جنگ‌های جاری در افغانستان دانست. رهبر جبهه نوین ملی افغانستان بر اصلاح نظام انتخاباتی تاکید کرد و خواستار برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه در زمان معین آن شد. نشست اعضای ناتو در مورد افغانستان، از اهمیت زیادی برای افغانستان برخوردار بود. دولت افغانستان از مدت‌ها بدین سو تلاش‌هایی را برای جلب حمایت اعضای سازمان ناتو از نیروهای امنیتی افغانستان به راه انداخته بود. تعهد ۵ میلیارد دالری کشورهای عضو ناتو به نیروهای امنیتی افغانستان، در نفس خود دست‌آورد بزرگی برای دولت افغانستان محسوب می‌شود و امیدوارکننده است. این کمک‌ها که تا سال ۲۰۲۰م ادامه خواهد یافت، دست‌کم نگرانی‌ها از کمبود بودجه مورد نیاز نیروهای امنیتی افغانستان رافروغ خواهد کرد و تداوم حضور سربازان ناتو پس از سال ۲۰۱۶ به لحاظ نمادین می‌تواند فشارها بر نیروهای امنیتی افغانستان را کاهش دهد.

علی رها

همان‌طور که در دموکریتوس "خط مستقیم" به منزله "نفی نقطه" و در عرصه اجتماعی معرف حذف "فردیت" بود، در نزد اپیکور گریز از خط مستقیم به معنی "خودسرنوشت‌سازی" است. لذا فلسفه اپیکور از نحوه مشروط و مقید هستی گریز حاصل می‌کند، ولی از این طریق صرفاً مفهوم "فردیت انتزاعی" و "خودکفا" را برقرار می‌سازد. چنین فردی "موجودی برای خود محض" بوده و استقلالش از هستی بلاواسطه، نفی کامل "نسبیت"، یعنی ارتباطی با "غیر" است. این فردیت موقعی مؤثر است که از موجودیتی که در برابرش ایستاده، منتزع شود. هنگامی که این "فردیت انتزاعی در اوج آزادی و استقلالش، در تمامیت وجودی‌اش ظاهر می‌گردد، معلوم می‌شود که وجودی که از آن گریز حاصل کرده بود، کل هستی است." (ص ۵۱)

لذا مارکس اپیکور را فیلسوف "انومیزم" می‌نامد که پیش‌نهادۀ عامش کیفیت فرد یکتاست، نه کمیت و کثرت مجازی. اما از آن‌جا که در درون خود امکان‌گذار به فردیت انضمامی یا جامع را حمل نمی‌کند، در عرصه اجتماعی زمینه "نزاع همه با همه" را فراهم می‌سازد. این ستیزه همه‌گانی در "جامعه مدنی" معاصر، موضوعی است که ۲ سال بعد (۱۸۴۳) در "نقد فلسفه حقوق" هگل (از این پس «نقد») مرکز توجه خاص مارکس قرار می‌گیرد.

۲- مارکس جوان آموزگارش را به چالش می‌کشد

آن‌طور که از متن بالا برمی‌آید، مارکس در بررسی تطبیقی دموکریتوس و اپیکور، پاسخی که به دنبالش بود را پیدا نمی‌کند. با این‌که فلسفه "انومی" در برابر "دترمینیزم" به رویش عنصر "سوبژکتیو" قوام بخشیده، امکان شکل‌گیری "شخصیت" و از آن‌جا "خودآگاهی" را فراهم می‌آورد، تعارض "افراد" را برطرف نکرد.

همان‌طور که در پایان‌نامه‌اش خاطرنشان کرده بود، مارکس طی یک سال فعالیت شدید مطبوعاتی، توجه خود را به سوی

کشیده و به پژوهش رو آورد. جهت رفع تردیدهایی که برمن هجوم آورده بودند، اولین اثری که در دست گرفت، بررسی نقادانه فلسفه حقوق هگل بود. «مقدمه «سهمی بر نقد اقتصاد سیاسی»» مارکس "نقد" را با مفهوم دولت شروع می‌کند که در واقع فصل‌نهایی کتاب هگل است. البته در خلال "نقد" اشاره می‌کند که گفتمان "جامعه مدنی" را در بخشی جداگانه پرورش خواهد داد (ص ۸۲). با این‌که چنین مبحث جداگانه‌ای در این دست‌نوشته ناتمام یافت نمی‌شود، وی در سراسر "نقد" به جامعه مدنی رجوع کرده و نقد موشکافانه دولت معاصر را فقط در ارتباط با آن قابل فهم می‌داند. البته مارکس با تعریف هگل از جامعه مدنی مخالفتی ندارد. به‌طور خلاصه، هگل جامعه مدنی را عرصه نزاع همه‌گانی ارزیابی می‌کند که در آن منافع "عام" به معنی عمومیت‌یافته‌گی نفع خصوصی است. آن‌چه هگل "مجموعه نظام اخلاقی" می‌نامد، در جامعه مدنی به‌طور مفرط منقسم و خودگم‌گشته است، از خود بیرون است، "دولت خارجی" یا "مادی" است. از این‌رو "جامعیت" یا "وهله اجتماعی"، حامل انبوهی از خصوصیات متعارض است. یعنی هنوز در مرحله انفصال به‌سر برده و وابسته به "ضرورت" است، به طوری که هگل آن را "سیستم نیازمندی‌ها" می‌خواند.

مارکس که در این دوره کوتاه اقامت در کروناخ ده‌ها کتاب در مورد تاریخ و تیوری سیاسی را مورد بررسی قرار داده بود، همانند هگل به این نتیجه رسیده بود که با پیدایش "جهان مدرن"، برای نخستین‌بار دولت سیاسی و جامعه مدنی از هم تفکیک شده‌اند. به باور وی، در جمهوری یونان، دولت سیاسی منطبق با ماهیت واقعی شهروند بود، ولی انسان خصوصی برده بود. در "استبداد آسیایی"، دولت معرف اراده خصوصی فردی واحد بود و دولت سیاسی و مادی هر دو در بنده‌گی به‌سر می‌پرودند. در قرون وسطا نیز عرصه خصوصی، مستقیماً سیاسی بود. شکل‌بندی جامعه، مترادف محتوی مادی دولت بود.

بخش دوم

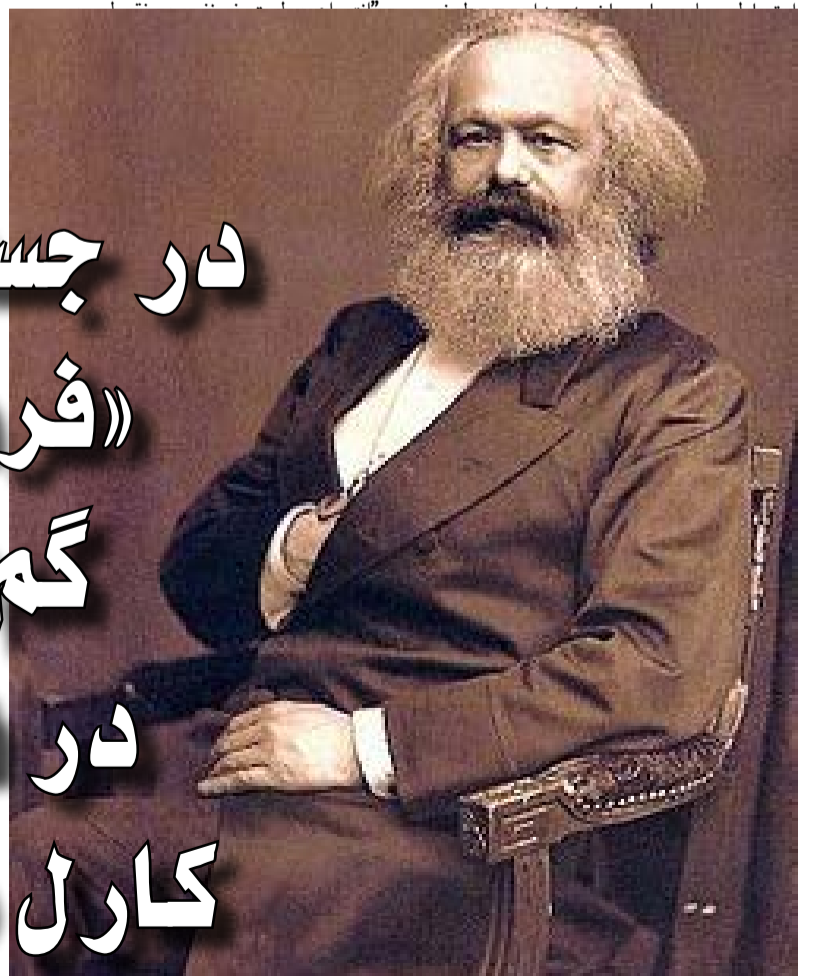
زنده‌گی سیاسی و جامعه مدنی را به کمال رساند. در این‌جا تمامی "آحاد مردم در بهشت جهان سیاسی‌شان برابرند درحالی‌که در هستی زمینی اجتماع نابرابرند." لذا هستی سیاسی "موجودیتی آسمانی است، ماورای طبیعه جامعه مدنی است." (ص ۸۰) در نتیجه شهروندان دولتی و اعضای جامعه مدنی نیز از هم جدا هستند. در درون فرد کشمکش ذاتی بین شهروند سیاسی و انسان خصوصی وجود دارد. دولت سیاسی کمال‌یافته به منزله هستی انتزاعی انسان است که با هستی مادی‌اش در تعارض به‌سر می‌برد. فردگرایی، اصل حاکم جامعه مدنی است. بنابراین، "بنده‌گی شخصی هدفی غایی است درحالی‌که فعالیت، کار، ضمیر و غیره در حکم ابزاراند." (ص ۸۱) در جایی که دولت به اوج خود رسیده باشد، "انسان یک زنده‌گی دوگانه دارد در جامعه سیاسی خود را موجودی اشتراکی می‌انگارد ولی در جامعه مدنی به عنوان فردی خصوصی فعالیت می‌کند." در چنین اوضاعی، "تنها رابطی که آن‌ها را به هم پیوند می‌زند ضرورت طبیعی، نیاز و نفع خصوصی است؛ حفاظت از مالکیت و خویشتن خودخواه‌شان." (کلیات آثار ۳، ص ۱۵۴)

جامعه مدرن، ذات عینی انسان را همچون عنصری خارجی و مادی از او جدا می‌سازد. این ماهیت انسان نیست که به عنوان فعلیت حقیقی او شناخته می‌شود. فرد به‌سان "فردی اجتماعی" ادراک نمی‌گردد. لذا "خاص" و "عام" با این‌که ارتباطی متقابل داشته و یکدیگر را مشروط می‌کنند، نافی همدیگرند. هدف، رفع تعارض خاص و عام است. اما در جامعه مدنی، جایی که افراد "بورژوا یا شهروند از بند رسته‌اند"، هدف‌شان "با عامیتی وساطت می‌شود که خود یک وسیله است."

وقتی که نیازمندی‌ها و ابزار کیفیتی انتزاعی پیدا کنند، "انتزاع" به خصیصه روابط متقابل افراد با یکدیگر تبدیل می‌گردد. در این‌جا "خرد جمعی" نیز خود را به‌صورت عمومیتی تجربیدی تصریح می‌کند که از نظارت اعضای اجتماع خارج است. مارکس و هگل در تفهیم کلیه موارد بالا اتفاق نظر دارند.

منبع: سایت فلسفه نو

در جست‌وجوی «فردیت» گم‌شده در فلسفه کارل مارکس



بخش ششم



قرآنی روان‌شناسی

نویسنده: دکتر مصطفی محمود مترجم: سیداحمد اشرفی

فروید و پیروانش تنها یک نوع از انواع رویاهای را می‌بینند و تنها یک بُعد از ابعاد نفس را می‌شناسند که عبارت است از: بُعد مادی آن. اما قرآن به ما می‌آموزد که خواب‌ها دو گونه‌اند: یک گونه آن را «اغلاط الاحلام» یا خواب‌های پریشان و درهم و برهم می‌نامند (سوره یوسف: ۴۴). این گونه خواب‌ها در اثر حدیث نفس اماره با شهوات و امیالش - یا در اثر حدیث شیطانی با آن نفس در اثنای خواب - پدید می‌آید و این همان است که فروید به تفسیر آن پرداخته است. اما گونه دوم آن را «رؤیا» می‌نامند (سوره یوسف: ۴۳) که از عالم بالا و ملاً اعلی به نفس آدمی فرود می‌آید و آن، عبارت از سخن پروردگار یا سخن فرشته‌گان مؤظف با نفس آدمی است؛ مانند رویاهای صادقی که به‌طور کامل تحقق پیدا می‌کند. این گونه خواب‌ها در نزد فروید جایگاهی ندارند و اصلاً وی از تفسیر آن‌ها ناتوان است، با وجود این‌که این یک امر عادی است و هر کدام از ما گوشه‌یی از آن را تجربه کرده و می‌کنیم. دیدن حوادث آینده در خواب قبل از وقوع آن‌ها، موضوعی است که تفکر مادی را چه فرویدی باشد چه مارکسیستی، از اساس ویران می‌کند؛ زیرا تقدم اندیشه بر ماده و تقدم غیب بر شهادت را به‌طور صریح ثابت می‌سازد. و از آن‌جا که فروید تنها خواب‌های پریشان و شهوات‌آلود را می‌شناسد و شهوات جنسی را اساس و پایه همه انگیزه‌ها و فعالیت‌های بشری می‌داند، «سعادت» و «آرامش نفس» را نیز در اشیاع همین غریزه خلاصه می‌کند، در حالی که قرآن سعادت نفس را در مخالفت با شهوات می‌داند و از آدمی می‌خواهد تا آن‌ها را تحت کنترل درآورده و با تزکیه و تهذیب نفس، خود را به مهین اصلی خود، یعنی بارگاه الهی که همه از اویند و به سوی او برمی‌گردند، برساند و به کمال و تعالی حقیقی دست یابد.

همچنان «حزن» حقیقی در اسلام در نتیجه فراق و دوری از آن مهین الهی و فرو رفتن در منجلاط ظلمانی عالم دنیا به میان می‌آید، اما حزن در نزد فروید از محرومیت‌های دنیوی نشأت می‌کند.

به همین منوال، روان‌شناسی جدید «فراموشی» را بیماری‌یی می‌داند که از عدم توجه یا از فرط توجه پیدا می‌شود، یا این‌که خواهش مورد توجه، موضوع دردناکی را به یاد او می‌آورد و یا به‌خاطر خواهش سرکوب شده‌یی پدید می‌آید که خود را در لاشعور پنهان نگه داشته است و روان‌پزشک سعی می‌کند تا از طریق تحلیل روانی یا تنویم مغناطیسی و یا با ملاحظه بیمار در اثنای تداعی خاطراتش، آن خواهش را پیدا کند و از روان لاشعور یا ناخودآگاه بیرون کشیده، بیمار را از آن تخلیه نموده و شفا بخشد.

اما قرآن از دیدگاه گسترده‌تر و فراگیرتر به موضوع نگاه می‌اندازد و آن را در چارچوب رابطه با آفریدگار عالم تحلیل می‌کند. از دید قرآن هر که به خدا نزدیک باشد و به‌طور مداوم در یاد او و ذکر او باشد، توانایی‌اش همواره کامل و حاضر و آماده بوده، چیزی را فراموش نمی‌کند و چیزی از خاطرش غایب نمی‌ماند، زیرا که او در دایره نور و روشنایی قرار می‌گیرد؛ اما دوری از خدا او را در دایره تاریکی می‌افکند و از اهل غفلت می‌گرداند. خداوند می‌فرماید:

ترجمه: خدا را فراموش کردند (و با این کار) خودشان را به فراموشی سپردند. آن‌ها کسانی هستند که در بی‌راهه‌های فراموشی و حیرت و تباهی سرگردان می‌باشند.

اصلاً نقطه اختلاف میان دیدگاه روان‌شناسی جدید و دیدگاه قرآن در همین جاست که روان‌شناسی جدید از یک دیدگاه گسترده، کلی و فراگیر ناتوان است و روان آدمی را در چارچوب تجربیات مادی و دنیای مادی و لذت‌های مادی زندانی می‌کند. به همین ترتیب، این روان‌شناسی از همین دریچه به «وسواس‌ها» و «خاطرات» می‌نگرد و آن‌ها را ناشی از فعالیت‌های روان ناآگاه یعنی سخن نفس با خودش می‌داند و تصور کرده نمی‌تواند که این نفس به غیب مرتبط باشد و از عالم دیگر و فضای دیگر الهام بگیرد و مورد خطاب فرشته‌گان و یا وسوسه شیطانی قرار گیرد.

گرایش یا در واقع سقوط فروغ در شعر، هم‌زمان با شورش بی‌هنگامش علیه انضباط عاطفی و اخلاقی خانواده بود. به تعبیر دیگر او، ازدواج چشم‌پسته، بی‌عشق و ماجرای خود را، نوعی بی‌عدالتی، تحمیل و تهدید به آزادی خود می‌دانست، با وجود این‌که به گواهی نامه‌هایی که بعد از طلاق به همسر سابقش نوشته، با مردی نجیب و جوان‌مرد طرف بوده، اما این امر چیزی را عوض نمی‌کرد و نمی‌کند. آن دگرگونی مرموز، آن رویه زنده‌گی بی‌نام و کلام، که تولد غریزه‌ی تازه را نشانه می‌زد، درست در گرماگرم سال‌های نخستین زنده‌گی خانوادگی آشکار شد: غریزه شعر او از هم‌پاشیده‌گی آشیانه نوینباد را چون سرنوشتی محتوم، چون تکلیفی قاطع، چون کلید رمز «موفقیت» در شعر، پیش پای او گذاشت.

شاید فروغ در گیرودار این نخستین عصیان، و در نخستین شعرهایش که بازتاب شکوه‌های اسارت بود، هرگز فکر این را نمی‌کرد که روزی به عنوان «عصا عصبان زنان» شناسانده شود. اما کتاب «اسیر»، نخستین مجموعه شعر فروغ، عنوان خود را مدیون تصمیم آگاهانه حاصله از چنان شناختی است؛ چرا که اولاً شعرهای این دفتر - بدون در نظر داشتن معیاری برای سنجش عیار شعری آن - اغلب

آن پیکر داغ دردمند را
با مهر به روی سینه فشارد

عشقی که تو را نثار ره کردم
در سینه دیگری نخواهی یافت
زان بوسه که بر لبانت افشاندم
سوزنده‌تر آذری نخواهی یافت

در ظلمت آن اتافک خاموش
بیچاره و منتظر نمی‌مانم
هر لحظه نظر به در نمی‌دوزم
و آن آن نهران به لب نمی‌رانم

ای زن که دلی پر از صفا داری
از مرد وفا مگو، مگو هرگز
از معنی عشق را نمی‌داند
راز دل خود به او مگو هرگز

می‌بینیم که - چه در این شعر و چه در تمام شعرهای کتاب «اسیر» یا «دیوار» یا «عصبان» - به‌جای جوهر ناپ شاعرانه و به‌جای دید عمیق عاطفی با نگاه‌های اجتماعی و کلاً انسانی، سخن از گرفتاری‌های خانواده‌گی، اخلاقی و بله‌های

به فروغ نمی‌زند، زیرا اولاً: همان شعرهای سست و تکراری و تقلیدی، دوستداران خاص خود را در میان قشرهای وسیع محصلین و کسانی که قوه ادراک شعری‌شان تا مرز آخرین شعر «عصبان» یا اولین شعر «تولد دیگری» پیش‌تر نیامده، دارند. ثانیاً همین چند شعر معدود «تولد دیگری» و دو سه شعری که بعد از این دفتر آمده، کافی‌ست تا فروغ به راحتی بتواند به عنوان شاعری بزرگ روبه‌روی مصاحبه‌کننده‌گانی شایسته بنشیند و از شعر خود و عقاید شعری خود حرف بزند و به عنوان شاعری - آن‌همه دیر به شعر رسیده - که تأثیر عجیبی بر شعر نسل بعد از خود گذاشته، مورد گفت‌وگوی آینده‌گان قرار گیرد.

باری فروغ در تولدی دیگر را باید دیدار کرد، آن‌هم در چند شعر آخرش که فضا و بیانی به کلی متفاوت با تمام کارهای دیگر فروغ دارند. شعرهایی که به جوهر شعری کاملاً نزدیک شده و استعدادی شگرف برای مضامین حسی و اجتماعی دارند. اما این نیروی پذیرنده‌گی و به دنبال آن میان دردهای ناپیدای انسانی، با نظرگاه اجتماعی فروغ در شعرهای پیشین، زمین تا آسمان فرق دارد. در آن شعرها، وی تصویر محدودیت‌ها و بی‌پناهی‌های زن ایرانی بود. بزرگ‌ترین دردی که عصا عصبان را به فریاد

چنان مضامین سطحی و ساده‌ی طبیعتاً قالبی متناسب با خود، ساده و سطحی، بی‌اندام ناز‌موده می‌طلبد؛ اما در شعرهای «تولد دیگری» دیدگاه اجتماعی فروغ نیز به کلی تغییر می‌کند. دیگر «مساله» بی‌اجتماعی یا اخلاقی، مجرد و مستقل از تم کلی انسانیت وجود ندارد.

درد شاعر، درد بزرگ هستی است، درد همه آدم‌ها، درد فساد که تا اعماق روان بشر ریشه دوانده و او را با ارزش‌های اصیل و اولیه خویش بیگانه کرده است. بیش از آن درد عشق بود و سوز و گداز عاشقانه، اکنون درد بی‌عشقی است: عشق غریب و بی‌پناه است و از پنجره‌های کوتاه «به بیابان‌های بسی مجنون می‌نگرد».

عارفان پاک بلنداندیش، جای خود را به اشباح خسته افسونی سپرده‌اند. غم نان، نیروی عظیم رسالت را مقهور کرده است. شاعر از جهان بی‌تفاوتی فکرها و حرف‌ها و صدا، سخن می‌گوید. راه او دیگر از میانه شمشادها نمی‌گذرد، نه از کناره پراهنزاز گندمزارها؛ راه او از دهل‌های تاریک متعفن می‌گذرد که به قمارخانه‌ها، عشق‌فروشی‌ها، بازار برده‌فروشان و به میدان‌های نبردهای باخته‌شده منتهی می‌گردد.

فروغ در «تولد دیگری»، کاملاً چشم باز کرده و به راز شعر واقف شده است. کلامی که در شعرهای منسوخ پیشین؛ خشک، بی‌ظرفیت و بی‌جان بود در این‌جا انعطافی شگفت می‌یابد و چنان نرم و تنوع‌پذیر می‌شود که در آن مرز مصرع‌ها و بیت‌ها برداشته شده و وقفه‌ها و قطع و وصل‌های گوش‌آزار ناپدید شده‌اند. فروغ، گرچه نه به عنوان اولین کس، به عروض فارسی استعدادی بخشید که بسیاری از دشواری‌های پایان‌بندی مصرع‌ها یا ادامه آن‌ها از میان رفت. او کاری کرد که پیروان عروض نیامی نیز جرات انجامش را نیافته بودند. فروغ، سکتها و ادغام‌های ممنوع را مجاز کرد و به امکاناتی دست یافت که بدون هراس از آشفته شدن وزن، هم آن را رعایت می‌کرد و هم قوانین و قواعد خشک آن را متزلزل می‌ساخت. فروغ در واقع عروض را نرمش و انعطاف داد و آسانش کرد.

نزدیک کردن شعر به محاوره عمومی که دلخواه نیما بود، در شعر فروغ حقیقت یافته و کامل شده است. او در گفت‌وگویی در زمینه وزن و امکانات زبانی چنین می‌گوید:

«می‌دانید، من آدم ساده‌ی هستم، به‌خصوص وقتی می‌خواهم حرف بزنم، نیاز به این مساله را بیش‌تر حس می‌کنم. من هیچ‌وقت عروض نخوانده‌ام. آن‌ها را در شعرهایی که می‌خواندم، پیدا کردم. بنابراین برای من حکم نبودند؛ راه‌هایی بودند که دیگران رفته بودند. یکی از خوشبختی‌های من این است که نه زیاد خودم را در ادبیات کلاسیک سرزمین خودمان غرق کرده‌ام و نه خیلی زیاد مجذوب ادبیات فرنگی شده‌ام. من به دنبال چیزی در درون خودم و در دنیای اطراف خودم هستم، در یک دوره مشخص که از لحاظ زنده‌گی اجتماعی و فکری و آهنگ این زنده‌گی خصوصیات خودش را دارد. راز کار در این است که این خصوصیات را درک کنیم و بخواهیم این خصوصیات را وارد شعر کنیم. برای من کلمات خیلی مهم هستند. هر کلمه‌ی روحیه خاص خودش را دارد. همین‌طور اشیا، و من به سابقه شعر کلمات و اشیا بی‌توجه‌ام. به من چه که تا به حال هیچ شاعر فارسی زبانی مثلاً کلمه «انفجار» را در شعرش نیآورده است. من از صبح تا شب به هر طرف نگاه می‌کنم، می‌بینم چیزی دارد منفجر می‌شود. من وقتی می‌خواهم شعر بگویم، دیگر به خودم که نمی‌توانم خیانت بکنم. اگر دید، دید امروزی باشد، زبان هم کلمات خودش را پیدا می‌کند و هماهنگی در این کلمات را. و وقتی زبان ساخته و یکدست و صمیمی شد، وزن خودش را با خودش می‌آورد و به وزن‌های متداول تمایل می‌کند. من جمله را به ساده‌ترین شکلی که در مغزم ساخته می‌شود به روی کاغذ می‌آورم، و وزن مثل نخ می‌کند که از میان این کلمات رد شده بی‌آن‌که دیده شود؛ فقط آن‌ها را حفظ می‌کند و نمی‌گذارد بیافتند. اگر کلمه انفجار، در وزن نمی‌گنجد و مثلاً ایجاد سکت می‌کند، بسیار خوب این سکت مثل گرهی است در این نخ. با گره‌های دیگر می‌شود اصل «گره» را هم وارد وزن شعر کرد و از مجموع گره‌ها یک گونه هم‌شکلی و هماهنگی به وجود آورد...»

معلوم است که آن بازی‌های دقیق و سازنده از وزن کاملاً برای فروغ آگاهانه بوده و از ضعف و ناچاری او برنخاسته است. تأثیری که از این بابت، فروغ بر جوانان گذاشت، عجیب است. بعد از او نوعی شعر لطیف با زبان ملایم و بی‌خیز و پرش به وجود آمد که جابه‌جا نشانه‌های کار او را در خود دارد؛ شعری که بدبختانه به هیچ‌وجه عمق و گسترش شعر خود او را ندارد، بلکه سست و آبکی و بی‌نهایت زتانه و نامتناسب با روحیه زمانه است. برای شناخت بیشتر فروغ، چه چیزی بهتر از شعر او؟

مرجع: رودکی - سال ۱ - شماره ۵ - بهمن ۱۳۵۰.



فروغ؛ عصا عصبان زن

نویسنده: م. فرخ

دارای مضمونی مشابه‌اند: عشق ممنوع، فاصله قهری میان خواسته‌ها، تضاد دنیا‌های ذهنی - عاطفی و اخلاقی، ناچاری و بی‌اراده‌گی در برابر اراده‌های تحمیلی او. پس او طعمه‌ی «خسته» و زخم‌خورده در دست مرد، بیش نیست.

از بیم و امید عشق رنجورم
آرامش جاودانه می‌خواهم
بر حسرت دل دگر نیافزایم
آسایش بی‌کرانه می‌خواهم

یا بر سر دل نهاده، می‌گویم
بگذشتن از آن سبزه‌جو خوش‌تر
یک بوسه ز جام زهر بگرفتن
از بوسه آتشین او خوش‌تر

دیگر نکند ز روی نادانی
قربانی عشق او غرورم را
شاید که چو بگذرم از او یابم
آن گم‌شده شادی و سرورم را

گاه کاملاً به زبان زن‌های ساده و شریف حرف می‌زند که قربانی خودخواهی مرد اند و شرافت و نجابت‌شان به نادانی و اُمَل بودن تعبیر می‌شود: آن کس که مرا نشاط و سستی داد
آن کس که مرا امید و شادی بود
هر جا که نشست بی‌تامل گفت:
«او یک زن ساده‌لوح عادی بود»

رو پیش زنی ببر غرورت را
کاو عشق تو را به هیچ نشمارد

در می‌آورد، سنگینی و زخم زنجیر سنت‌هایی بود که دختری ساده‌دل را چشم‌پسته به مالکیت مردی دیگر درمی‌آورد، یا زنی بی‌یار و یاور را چون تقاله میوه‌ی بی‌دور می‌انداخت، یا به سرنوشتی تلخ و سرد و بی‌ماجرا - یعنی به زنده‌گی بی‌تحرك و خشک و خالی زناشویی - می‌سپرد.

حلقه
دخترک خنده‌کنان گفت که چیست
راز این حلقه ز
راز این حلقه که انگشت مرا
این چنین تنگ گرفته است به بر
راز این حلقه که در چهره او
این همه تابش و رخشنده‌گی است
مرد حیران شد و گفت:
حلقه خوشبختی، حلقه زنده‌گی است
.....

همه گفتند مبارک باشد
دخترک گفت: دروغا که مرا
باز در معنی آن شک باشد
.....
سال‌ها رفت و شبی
زنی افسرده نظر کرد بر آن حلقه ز
دید در نقش فروزنده او
روزهایی که به امید وفای شوهر
به هدر رفته، هدر
زن پریشان شد و نالید که: وای؛
وای، این حلقه که در چهره او
بازهم تابش و رخشنده‌گی است
حلقه برده‌گی و بنده‌گی است.

شکایت غنی از پاکستان در مهمترین کنفرانس بین المللی:

پاکستان تنها مانع صلح است



افغانستان فقدان قوانین توافق شده است؛ از این رو کابل به دنبال جلب حمایت منطقه‌ی و جهانی برای ایجاد چنین قوانینی است؛ قوانینی که ما را به امنیت و سازگاری جمعی ملزم می‌کنند. رئیس‌جمهوری افغانستان تاکید کرد: رهبران جهان باید درک کنند که افغانستان با یک درگیری چند وجهی روبروست و با طیف گسترده‌ی از گروه‌ها، از القاعده و داعش تا گروه‌های تروریستی با اصلیت آسیای میانه، چینی و روس گرفته تا گروه‌های پاکستانی که خود پاکستان آنها را تروریست می‌نامد و گروه‌های طالبان افغانستان، می‌جنگد. اشرف غنی با اشاره به اعلامیه ۲۰۱۵ مکه علیه تروریسم مدعی شد که گفت‌وگوی افغانستان در داخل جامعه عرب-مسلمان نیز سازنده بوده

برای نخستین بار افغانستان در یک کنفرانس مهم بین‌المللی به گونه صریح و روشن از پاکستان به خاطر حمایت از تروریست‌ها شکایت کرد. رئیس‌جمهور افغانستان پاکستان را مقصر بی‌ثباتی در افغانستان دانست. رئیس‌جمهور غنی گفت پاکستان در عمل میان تروریست‌های خوب و بد تمایز قایل می‌شود. اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان در نشست ناتو گفت: طرح‌های منطقه‌ی ما با همسایگانمان منافع چشمگیری به همراه داشته است اما مورد استننا پاکستان است. پاکستان به‌رغم تعهدات آشکار به کمیته چهارجانبه روند صلح، تمایزی خطرناک در عمل میان تروریست‌های خوب و بد قایل می‌شود. اشرف غنی گفت: مشکل اصلی میان همسایگان

حملة تند سرور دانش بر جنبش روشنایی



دفتري مطبوعاتی معاونیت دوم ریاست جمهوری با نشر اعلامیه‌ی از عملکرد «جنبش روشنایی» انتقاد کرده و نوشته است که جنبش روشنایی به نفرت‌پراکنی، تعصبات نژادی و قومی دامن می‌زند. در این اعلامیه که دیروز (۲۰ سرطان) منتشر شده، آمده است: «مثال برخی از کسانی که به نام جنبش روشنایی ادعای رهبری و نمایندگی از داعیه عدالت‌خواهی مردم را دارند، زیر پوشش لفاظی‌های پوچ و شعارهای تهی از محتوا به طور دایم و سیستماتیک یا به نفرت‌پراکنی و تعصبات نژادی و قومی دامن می‌زنند.»

در اعلامیه‌ی که از سوی دفتر مطبوعاتی منتشر شده، نوشته شده است که برخی از اعضای جنبش روشنایی در برابر حکومت و دولت‌مردان به دور از اخلاق و ادب و در مغایرت با قوانین کشور، دست به افترا می‌زنند. در این اعلامیه افزوده شده است: «به دولت‌مردان و رجال سیاسی کشور، به دور از اخلاق و ادب و در مغایرت با تمام معیارهای قانونی و اخلاقی، افترا می‌بندند و اهانت و دشنام نثار می‌کنند و حکومت منتخب و مشروع مردم را حکومت نفاق ملی یا وحشت ملی خطاب می‌کنند.»

این اعلامیه در حالی منتشر شده است که اعضای جنبش روشنایی روز جمعه طی برنامه‌ی زیر عنوان «عید روشنایی» مخالفت خود را در مورد فیصله حکومت وحدت ملی درباره مسیر انتقال لاین برق پروژه‌ی موسوم به توتاپ، اعلام کردند که تا تحقق خواسته‌هایشان دست به تظاهرات «نامحدود» می‌زنند. هم‌چنان تعدادی از افغان‌های مقیم کشورهای اروپایی روز شنبه گذشته طی گردهمایی در محل برگزاری نشست وارسا در کشور پولند، در برابر سیاست‌های حکومت افغانستان که آنها را تبعیض‌آمیز می‌خوانند، با حمل پلاکارتهایی که بالای عکس‌های سران حکومت وحدت ملی خط سرخ کشیده بودند، دست به تظاهرات اعتراضی زدند.

نشست وارسا با اشتراک سران کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) با محوریت کمک‌ها و تمديد ماموریت نظامی ناتو در افغانستان، روز جمعه برگزار شد. در این نشست، محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور و عبدالله عبدالله، رئیس‌اجرایه کشور نیز حضور داشتند. پس از آن که به تاریخ ۱۱ ثور سال جاری، رئیس‌جمهور غنی در یک اجنندای غیررسمی فیصله کرد که مسیر لاین پروژه توتاپ در عوض مسیر بامیان از مسیر سالنگ عبور کند، اعتراض گسترده‌ی در داخل و بیرون از کشور علیه این تصمیم رئیس‌جمهور صورت گرفت و حرکت اعتراضی شهروندان به نام «جنبش روشنایی» به میان آمد.

در اوایل اعتراض‌ها سروردانش معاون رئیس‌جمهور نیز در جمع معترضین بود. پس از شدت اعتراض‌های حکومت وحدت ملی با تشکیل یک کمیسیون، فیصله کرد که مسیر لاین برق پروژه توتاپ از مسیر سالنگ عبور می‌کند ولی در عوض آن یک لاین ۲۲۰ کیلوولت از دوشی به طرف بامیان کشیده می‌شود که تفاهم نامه اجرا لاین برق ۲۲۰ کیلوولتی دوشی-بامیان به تاریخ ۳۰ جوزا سال جاری خورشیدی میان شرکت برشنا و بانک انکشاف آسیایی به امضا رسید.

است. غنی همچنین از کشورهای عضو ناتو برای «مبارزه شانه به شانه» در کنار نیروهای افغانستان قدردانی کرد و مدعی شد که این سازمان ارتباط و اثر خود را در تغییر پارادایم ارائه شده از سوی افغانستان در ۱۱ سپتمبر حفظ کرده است. در عوض اسلام آباد ناامیدی خود را از اظهارات ضدپاکستانی غنی ابراز داشت و سخنگوی وزارت خارجه این کشور در بیانیه‌ی گفت: تاسف آور است که رهبران افغانستان به خصومت علیه پاکستان ادامه داده و پاکستان را مقصر تمامی شکست‌هایشان در افغانستان می‌دانند. وی گفت: از آنجا که علاقه وافر به صلح در افغانستان داریم به هرگونه تلاش برای کمک به برقراری صلح در افغانستان کمک می‌کنیم. ما از دولت افغانستان انتظار همکاری در جنگ با تروریسم با مدیریت درست و موثر مرزی را داریم.

این درحالی است که اخیراً سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی پاکستان، طالبان را به گروه خوب و بد تقسیم کرد. کابل مدعی است که اسلام‌آباد طالبانی را که بر ضد مردم افغانستان می‌جنگند، به عنوان گروه خوب می‌شناسد و آنانی که بر علیه منافع این کشور می‌جنگند را طالبان بد معرفی می‌کند. درحالی که به گفته مقامات دولت افغانستان تروریست خوب و بد ندارد. هرکسی که در جامعه بشری دست به خشونت و دهشت می‌زند و خون انسان‌های بیگناه را به زمین می‌ریزد، تروریست است و باید مورد هدف قرار گیرد. اما اسلام‌آباد بر عکس به حمایت از تروریست‌ها می‌پردازد.

افزایش ۵۲ درصدی در آمد گمرکی پکتیا در یک ماه

مسئولان حکومتی پکتیا از افزایش قابل توجه عواید گمرکی این ولایت خبر می‌دهند. به گفته آنان، پکتیا تنها در یک ماه میلیون‌ها افغانی درآمد داشته است.

نقیب‌احمد اتل، سخنگوی والی پکتیا روز یکشنبه در یک نشست خبری در این ولایت گفت، در ماه ثور تنها از گمرک حدود ۴۰ میلیون افغانی عاید داشته اند، و این مقدار در ماه جوزا به ۸۴ میلیون افغانی بالا رفته است که در یک ماه ۵۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد. آقای اتل از افزایش عواید عمومی پکتیا نیز خبر داد. او افزود که برپایه معلومات اولیه، درآمد عمومی این ولایت در جریان یک سال (۱۳۹۳-۱۳۹۴) ۳۶ درصد افزایش یافته است که شامل گمرک و سایر اداره‌های عایداتی می‌شود. سخنگوی والی پکتیا اشاره‌ی به درصدی درآمد سال‌های گذشته نکرد. آقای اتل عوامل افزایش درآمد عمومی را جلوگیری از ورود موترهای باردار از راه‌های فرعی و هماهنگی میان اداره‌های دولتی دانسته گفت، مسیریایی را که بازرگانان دور از دسترس گمرک این ولایت برای انتقال کالاها استفاده می‌کردند، بسته اند.



چین کمک‌های نظامی اش را به افغانستان سپرد

او از فداکاری نیروهای امنیتی افغانستان ستایش نموده و گفته که نصب اسکنرهای یاد شده می‌تواند ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان را افزایش دهد تا به تروریست‌ها اجازه ندهند، مواد انفجاری را وارد شهر کابل نمایند. چند روز قبل نیز نخستین محموله کمک‌های نظامی چین به کابل رسیده و حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهوری افغانستان، گفته بود که این کمک‌ها حامل پیام مهمی برای مبارزه با تروریسم است. آقای اتمر هنگام تحویل‌گیری این کمک‌ها در فرودگاه کابل گفت که این محموله شامل سلاح، مهمات و وسایل حمل و نقل و تدارکاتی می‌شود که ارزش آن به میلیون‌ها دالر می‌رسد. روز ۱۰ حوت فانگ فونگ‌هوی، رئیس ستاد ارتش چین، در سفری به کابل، اعلام کرده بود که کشور به ارزش ۷۳ میلیون دالر کمک نظامی در اختیار دولت افغانستان قرار خواهد داد.

وزارت داخله اعلام کرد که کشور چین ۴۰۰ وسیله امنیتی را که برای کشف و از بین بردن مواد انفجاری به کار می‌رود به دولت افغانستان کمک کرده است. بر اساس خبرنامه وزارت داخله که روز یکشنبه ۲۰ سرطان نشر شده، در مراسم تحویل‌گیری این وسایل تاج محمد جاهد، وزیر داخله افغانستان، کشورچین را دوست دیرینه مردم این کشور خوانده است. این وسایل امنیتی اهدا شده، به گفته وزیر کشور افغانستان، شامل ۴ پایه اسکنر امنیتی است که در ورودی‌های شهر کابل نصب خواهد شد و آنها قابلیت شناسایی و از بین بردن مواد انفجاری را دارا می‌باشند. یائو جینگ، سفیر چین در افغانستان، در این مراسم گفته که کشورش در همسایگی افغانستان قرار دارد و به این دلیل توجه بیشتر به تامین امنیت افغانستان دارد.

فیسبوک نامه

امرالله صالح



خدایی که همه چیز و همه کس را هست کرد و پیامبری که به همه نوید نور بخشید، اما حالا چه می‌گذرد... در هیچ کجای جهان اسلام زن نماز ترویج را در جماعت ادا کرده نتوانست و برایش اجازه ورود به عبادتگاه خدا یعنی مسجد داده نشد. زن در هیچ کشور اسلامی از خطبه‌های نماز عید مستفید نگردد و به پای هیچ موعظ و مبلغ اسلامی نشسته نتوانست و گوش داده نتوانست. هیچ عالم دین از مردانه شدن عبادت جمعی شکایت نکرد. همه‌ی ما توقع داریم که زن از هر چیزی و از هر مسأله‌ی با خبر باشد، اما نمی‌پرسیم که این با خبری چگونه به دست آید؟ در حالی که او اجازه رفتن به مکتب، دانشگاه، مسجد و به عیدگاه را نداشته باشد. در تمام مناسک دینی و مذهبی که شامل نماز جنازه، نماز عید، نماز جمعه و روزهای تجلیل از ستاره‌های صدر اسلام است، زن حضور ندارد و حضورش قابل تحمل نیست. در حالی که تمام حقوق انسانی زن را انکار می‌کنیم پس چگونه انتظار داریم که در جامعه‌ی ما زنان الگو و پیشناز داشته باشیم. زن‌ستیزی چنان اوج گرفته است که مردها سه متر از خانم‌های خویش پیشتر می‌روند تا کسی نگوید که با زن خود قدم می‌زند. در شهر پنج میلیونی کابل پنج تا تشناب زنانه وجود ندارد. در حالی که اسم زنان مطهر پیامبر اکرم (ص) معلوم است، هیچ ملای مسجد و عالم دین حاضر نیست، اسم خانم‌اش را بالاتر از عاجزه و کوچ به زبان آرد. همه‌ی ما از رشد و توسعه اقتصادی حرف می‌زیم در حالی که پنجاه درصد از نفوس کشور یعنی زن شامل احصاییه اقتصادی نمی‌شود. در جامعه‌ی که زن فلج است و حق شهروندی و اسلامی ندارد، معنی‌اش جامعه جهل سالار است. عالم‌ترین‌های جامعه ما از ترس عوام از حق گفتن هراس دارند. پس به گفته عاصی شهید «در این دیار نه دیوانه مانده نی عاشق بیا که گریه کنیم». از این رو، عید گذشته مردان برای مردان مبارک باد. برای سیاست‌های کشورم جایگاه قریب به عایشه و فاطمه الزهرا را تمنا دارم. نوت: نوشتن سیاستر کنایه و اعتراض بر عرف حاکم در جامعه است که زن را به آن تقلیل داده‌اند - نه باور.

اصغر اشراق



دادخواهی به معنای توهین و تاختن به کرامت انسانی یک گروه اجتماعی و یا افراد متعلق به چنین گروه‌هایی نیست. افراد مسمومی که به بهانه عدالت‌خواهی به اقلیت‌های دیگر می‌تازند، بهتر است برای حل مشکلات سیاسی‌شان به عقده‌گشایی قومی متوسل نشوند. فحاشی و دادن نسبت قومی به دیدگاه مخالف، کارساز نیست. شعارها مدنی، اما عملکرد نامدنی! پارادوکس تنش‌زایی است که پشت آن فقط می‌تواند رویکرد تباری خطرناکی نهفته باشد؛ رویکردی که ممکن است ما را صد سال دیگر در رسیدن به حقوق شهروندی عقب نگه دارد!

حسین امینی مهرجو



ضرورت توجه بشتر به نوجوانان و دوری بیشتر از آخوندها طی سه ماه آینده. اطلاعات موثقی نشان می‌دهد که سیل عظیمی از طلبه‌هایی تازه به دوران رسیده و بعضاً آخوندهای کارگشته، مکار و شیاد، ولی بی‌عقل به بهانه تعطیلات تابستانی به سمت اقصی نقاط افغانستان گسیل شده تا با استفاده از احساس پاک و بی‌آلایش دینی-مذهبی، جوانان‌تان را پیدا و پنهان برای حضور در ایرن و متعاقباً اعزام به سمت سوریه تشویق و ترغیب کنند. این‌ها هرکدام ماهانه کلاً شهریه‌شان به حساب‌شان واریز و هرکدام‌شان هم بین ۲ تا ۵ صد یورو سفر خرچی گرفتند که برای آخوند نادیده و بدبخت مبلغی زیادی است و هرکاری خواهند کرد تا شرمنده به قوم و اصفهان و مشهد برنگردند. پس مواظب خو و بچه‌های‌تان باشید تا در دام توطیه مزدوران ولایت فقیه گرفتار نیاید!

آریاتژاد آزییر



قریب دو دهه و اندی است که بحث مواد مخدر و تروریزم حافظ موج را مشغول کرده و تیر درشت رسانه‌های معتبر جهان را به خود تخصیص داده است. بحث مبارزه جهانی با مواد مخدر و خطرات ناشی از این مواد زهرآگین محور مباحث بزرگ جهانی و مجامع بین‌المللی طی دو دهه گذشته بوده است که قابل ستایش و استقبال است، چون جهان باید با این دشمن بشریت مبارزه کند تا فرزندان آدم از شر این سم مهلک نجات یابند. بحث مبارزه با مواد مخدر بیشتر از سوی کشورهای بلند می‌شود که داعیه‌دار حقوق بشر، زن، کودک، نوجوان، کارگر و نمی‌دانم شجر و حجراند، اما جای یک بحث خیلی مهم دیگر بسیار خالی می‌نماید و آن ساخت، تولید و فروش مجاز اسلحه و انواع باروت‌های سمی چون سیفور و غیره می‌باشد که بیشتر از هر زمان دیگر، در طی این دو دهه جان میلیون‌ها مسلمان جهان سومی و دیگر انسان‌های روی زمین را گرفته و هیچ صدایی مبنی بر مبارزه با ساخت و تولید مواد انتحاری در جهان بلند نشده است. حالا پرسش این است که اگر کشورهای اسلامی و شرقی بیشتر افتخار تولید تروریزم را در جهان دارند، آیا افتخار کشورهای اروپایی و امریکایی ساخت و تولید کننده‌ترین مواد سمی پیش رفته نمی‌تواند باشد؟ کجاست سازمانی در جهان تا در کنار کشور ما به عنوان بزرگ‌ترین کشور تولید کننده مواد مخدر در جهان، بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده مواد انتحاری در جهان را شناسایی و برای ما معرفی بدارد؟

کشور

جهان‌نا

اوباما: امریکا همیشه در کنار متحدانش در ناتو و اروپا می‌ایستد

رئیس‌جمهوری امریکا با اعلام این‌که کشورش همواره در کنار اروپا و متحدانش در ناتو باقی خواهد ماند، از یک «سیاست سرسختانه بازدارنده‌گی و مذاکره» با روسیه حمایت کرد. باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا در نشست ناتو در ورشو با تأیید پیشرفت نظامی این ائتلاف از پایان جنگ سرد گفت: در زمان بد و خوب امریکا در کنار ناتو است و می‌تواند روی ما حساب کند. ناتو در مواجهه با داعش، بحران اوکراین، بحران مهاجرت در اروپا و در نهایت بریکزیت در یک برهه حساس قرار دارد. این یک لحظه پر از چالش است و من می‌خواهم از این فرصت برای بیان این مسأله استفاده کنم که حمایت و پشتیبانی امریکا از ناتو هرگز تغییر نمی‌کند. ما همواره به دنبال امنیت و دفاع از اروپا بوده و هستیم. رئیس‌جمهوری امریکا هم‌چنین در آخرین حضور خود در نشست ناتو هشدار داد که متحدان باید همواره با یک‌دیگر همکاری کنند و به تعهدات‌شان مبنی بر این‌که دو درصد از تولید اقتصادی سالانه خود را به امور نظامی اختصاص دهند عمل کنند. اکثر متحدان هنوز به این مسأله پایبند نیستند.

باراک اوباما هم‌چنین گفت که انتظار دارد انگلیس پس از همه‌پرسی بریکزیت به سمت خروج پیش برود: «انگلیس و اتحادیه اروپا به عنوان دوست، متحد و شریک تجاری امریکا هستند و امریکا می‌خواهد در آینده نیز با آن‌ها همکاری داشته باشد. انتظار می‌رود که اتحادیه اروپا و انگلیس با انجام اقدامات مناسب از بروز آسیب‌های جدی به بدنه اقتصاد خود و هم‌چنین اقتصاد جهانی جلوگیری کنند، به‌ویژه در زمانی که جهان با مشکلات مالی بیشماری دست به گریبان است». رئیس‌جمهوری امریکا در کنفرانس خبری در نشست ناتو هم‌چنین به رهبران آلمان، ایتالیا، فرانسه و انگلیس گفت که باید پس از بریکزیت به دنبال حفظ پروژه اروپا باشند. رهبران این پنج کشور اروپایی و اوباما هم‌چنین با پترو پوروشنکو، رئیس‌جمهوری اوکراین نیز دیدار کرده و به او اطمینان دادند که در مقابل روسیه از کی‌یف حمایت می‌کنند.

مرکل و اردوغان با «روحیه سازنده» اختلافات را بررسی کردند

رهبران آلمان و ترکیه در نخستین مذاکرات خصوصی خود از زمان تصویب قطع‌نامه محکوم‌کردن نسل‌کشی ارمنی در ۱۹۱۵ توسط ترک‌های عثمانی با یک‌دیگر ملاقات کردند، اما نتوانستند بر اختلافات فایق آیند. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان در دیدار با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه در حاشیه نشست ناتو در ورشو به بررسی تنش‌ها میان دو کشور پرداخت. روابط میان برلین و انکارا از زمان تصویب قطع‌نامه محکوم‌کردن نسل‌کشی ارمنی به دست ترک‌های عثمانی در ۱۹۱۵ دچار تنش شده است. انکارا سفیر خود در برلین را فراخواند و تهدید کرد که دست به اقدامی متقابل می‌زند. ترکیه از آن‌زمان تاکنون دسترسی اعضای پارلمان آلمان به پایگاه نیروی هوایی اینچلیک که ۲۵۰ تن از سربازان آلمانی در آن‌جا هستند را منع کرده که باعث خشم برلین شده است. مرکل در یک نشست خبری گفت: ما درباره مسایل مختلف «با روحیه سازنده» صحبت کردیم. جو مذاکرات سازنده بود و تلاش‌هایی برای رفع مناقشات موجود صورت گرفت. اما اختلافات با چنین رأی‌زنی‌هایی حل نمی‌شود و اختلافات هنوز به قوت خود باقی است، اما مهم این بود که ما این مسایل را بررسی کردیم. او در پاسخ به سوالي در باره نتیجه‌بخش بودن این مذاکره گفت: اختلافات با چنین مذاکراتی حل و فصل نمی‌شود. اما معتقدم که می‌توانیم از طریق همین مذاکرات آن‌ها را رفع کنیم. اردوغان نیز مراتب ناراحتی و تأسف خود را بابت تصویب چنین قطع‌نامه‌ی در پارلمان آلمان به مرکل ابراز داشت. مرکل هم‌چنان رضایت خود را بابت راهکار ترکیه در جلوگیری از عبور پناهجویان از دریای اژه و رفتن به یونان ابراز داشت. صدراعظم آلمان هم‌چنین از اردوغان خواست تا دسترسی به اینچلیک را آزاد کند و اجازه دهد تا قانون‌گذاران آلمانی از سربازان این کشور در پایگاه مذکور دیدن کنند. این دو هم‌چنین درباره همکاری اطلاعاتی برای مقابله با داعش و نیروهایی که این گروه تروریستی به خدمت می‌گیرد، به گفت‌وگو پرداختند. در همین حال، اردوغان با دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس نیز به‌صورت غیرعلنی دیدار کرد و گفته می‌شود دو طرف درباره تصمیم بریکزیت و تأثیر آن بر ترکیه گفت‌وگو کردند. رئیس‌جمهوری ترکیه دیداری کوتاه نیز با فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهوری فرانسه و باراک اوباما، رئیس‌جمهوری امریکا داشت.



احتمال جدایی مسی از بارسلونا بعد از محکومیت در دادگاه اسپانیا



رئیس لیگ فوتبال اسپانیا (لالیگا) نسبت به احتمال جدایی لیونل مسی از بارسلونا و پیوستن او به یک کشور دیگر بعد از محکوم‌شدن به فرار مالیاتی ابراز نگرانی کرد. دادگاه اسپانیا پنج روز پیش مسی و پدرش را به دلیل فریب مالیاتی به ۲۱ ماه زندان محکوم کرد. خاویر تباس رئیس لالیگا، بعد از اعلام حکم دادگاه از مسی دفاع کرد. براساس رأی دادگاه، مسی و پدرش اداره مالیاتی اسپانیا را مبلغ ۴٫۱ میلیون یورو فریب داده‌اند. تباس روز جمعه گفت: البته که از جدایی مسی می‌ترسم. تنها چیزی که می‌توانم به او بگویم این است که ما معتقدیم که او گناهکار نیست و از حضور او در این‌جا خوش‌حالیم. روز چهارشنبه، دادگاه اسپانیا مسی و پدرش خورخه را به ۲۱ ماه زندان محکوم کرد. در اسپانیا، محکومیت کمتر از دو سال برای اولین جرم معمولاً تعلیق می‌شود. یعنی احتمالاً مسی و پدرش به زندان نمی‌روند. تباس خاطرنشان کرد که دادگاه مسی و پدرش را در سه فقره فرار مالیاتی مقصر شناخته است. او افزود: هر فقره هفت ماه حبس داشته است. حکم آن‌ها شدید نیست. فکر نمی‌کنم که مسی مجرم باشد. او قربانی یک ساختار مالی معیوب شده است که تغییر خواهد کرد. تباس ادامه داد: مسی بیش از ۶۱ میلیون یورو به اسپانیا پرداخت کرده که با آن پول بیمارستان‌ها و جاده‌هایی ساخته شده است. او هم‌چنین این موضوع که این پرونده بخشی از یک توطیه بزرگ‌تر علیه ستاره آرژانتینی است، را رد کرد. رئیس لالیگا گفت: هیچ حمله شخصی یا غرض‌ورزی علیه مسی یا بارسلونا وجود ندارد. در همین حال، ژوزپ ماریا بارتومئو رئیس بارسلونا نیز با ارسال پیامی به مسی از طریق شبکه‌های اجتماعی از او حمایت کرد. او در این پیام نوشت: لئو، آن‌هایی که به تو حمله می‌کنند، به بارسا و تاریخ حمله می‌کنند. ما تا آخر از تو حمایت می‌کنیم. مسی و پدرش ضمن انکار هرگونه تخلفی، به این رأی در دادگاه عالی مادرید فرجام‌خواهی کردند. بارسلونا بعد از صدور این رأی به سرعت از مسی حمایت و اعلام کرد که به اعتقاد این باشگاه او و پدرش بی‌گناه هستند. مسی که رکورد تصاحب پنج توپ طلای فیفا را برای بهترین بازیکن جهان در کارنامه خود دارد با سخت‌ترین لحظات دوران پُرشکوه حرفه‌ی خود روبه‌رو شده است. او بعد از شکست تیم ملی آرژانتین در فینال مسابقات کوپا امریکا مقابل شیلی اعلام کرد که دیگر برای تیم ملی کشورش بازی نخواهد کرد. مسی در فینال جام جهانی ۲۰۱۴ با شکست مقابل آلمان نتوانست با آرژانتین به عنوان قهرمانی دست یابد و این سومین ناکامی ستاره بارسلونا در فینال یک تورنمنت مهم محسوب می‌شود. مسی از ۱۳ سالگی به اسپانیا و بارسلونا پیوست. او رکورد ۴۵۳ گل را برای باشگاهش به ثمر رسانده است و چهاربار با این تیم جام لیگ قهرمانان اروپا و هشت عنوان قهرمانی لیگ اسپانیا را تصاحب کرده است. او بارها گفته است که برای باشگاه دیگر اروپایی بازی نخواهد کرد و ترجیح می‌دهد بهترین سال‌های خود را در بارسلونا بگذراند و بعد از آن در آرژانتین به دوران فعالیت حرفه‌ی‌اش پایان دهد.

Mandegar

بیانیه پایانی ناتو:

تروریسم هیچ مرز، ملیت یا مذهبی نمی‌شناسد



دبیرکل ائتلاف ناتو در سخنرانی پایانی خود در خاتمه اجلاس دو روزه سران این ائتلاف در شهر وارسا گفت: ما با این اجلاس اتحاد ناتو را نشان می‌دهیم.

به گزارش خبرگزاری شینهوا، یونس استولتنبرگ، دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سخنرانی پایانی خود در اجلاس دو روزه ناتو تاکید کرد که این ائتلاف باید با جهان در حال تغییر و چالش‌های نوظهور تطبیق پیدا کند.

استولتنبرگ گفت: این اجلاس یک اجلاس تاریخی بود زیرا در یک دوران سرنوشت ساز برای امنیت ما اتفاق افتاد.

وی همچنین گفت که از نظر وی این اجلاس اهمیت داشته زیرا بازتاب چیزی بوده که ناتو در حوزه ثبات و دفاع دست جمعی انجام می‌دهد.

وی درخصوص افزایش همکاری‌های ناتو و اتحادیه اروپا نیز گفت که چنین همکاری‌ای برای شهروندان اروپا و آمریکای شمالی ضروری است. استولتنبرگ همچنین از آندژی دودا، رئیس جمهور لهستان به خاطر میزبانی از این اجلاس تشکر کرد.

همچنین رئیس جمهوری لهستان گفت: اجلاس ناتو نشان دهنده وحدت، انسجام و همبستگی در این ائتلاف است و این اجلاس یک موفقیت هم برای ناتو و هم برای لهستان بوده است.

وی خاطر نشان کرد: این اجلاس برای لهستان به معنای حضور عملی ائتلاف ناتوی است که برای دفاع از خاک کشور ما در هر زمان و برای مقابله با هرگونه تهدید آماده است.

همچنین استولتنبرگ گفت که ناتو قصد دارد یک عملیات دریایی گسترده در دریای مدیترانه تحت عنوان عملیات محافظ دریا در ضمن همکاری نزدیک با یک عملیات انجام شده از سوی اتحادیه اروپا تحت عنوان «عملیات صوفیه» اجرا کند.

عملیات صوفیه در جون ۲۰۱۵ در پاسخ به بحران ورود مهاجران به اروپا به اجرا درآمد.

استولتنبرگ اظهار کرد: ما یک عملیات امنیتی دریایی جدید در دریای مدیترانه به نام عملیات محافظ دریا را به اجرا در خواهیم آورد و این عملیات دامنه گسترده‌ای شامل اطلاع‌پداری از وضعیت، مقابله با تروریسم و ایجاد ظرفیت را دارد.

ما می‌خواهیم با عملیات صوفیه که از سوی اتحادیه اروپا در مرکز مدیترانه اجرا می‌شود نیز همکاری کنیم.

اجلاس دو روزه ناتو در حالی به کار خود پایان داد که در بیانیه پایانی این اجلاس این ائتلاف متعهد

د دفاع وزارت د ستر درستیز:

طالبان د سیاسی شخصیتونو

د ترور په هڅه کې دي



د افغانستان د دفاع وزارت وايي چې په تېرو څلورو مياشتو کې طالب وسله‌وال نه دي توانيدلي ترڅو هغه اهدافو ته ورسېږي کوم چې د عمري عملياتو په چوکاټ کې يې پلان کړي وو.

د دفاع وزارت لوی درستيز قدم شاه شهيم په بلخ کې د ۲۰۹ شاهين قول اردو د نوي قومندان د پېژندنې په غونډه کې وويل، طالبانو غوښتل ترڅو د عمري عملياتو په چوکاټ کې لوی ترورېستي فعاليتونه ترسره کړي چې د امنيتي ځواکونو له خوا له ماتې سره مخ شول.

د دفاع وزارت د ستر درستيز په باور چې طالبانو د عمري عملياتو په چوکاټ کې غوښتل په ختيځ، سوېل، شمالي او شمال ختيځو ولايتونو کې پراخ ترورېستي او وسله‌وال فعاليتونو طرحه کړي او په يادو سيمو کې سياسي څېرې او ملي شخصيتونه ترور شي خو دا برنامې يې د افغان امنيتي ځواکونو له خوا شنډې شوې.

قدم شاه شهيم وويل: «نن د طالبانو عمري عملياتو دا ثابته کړه چې يو ناکام عمليات ول، دوی پرته له ماتې او پروباگند بل هېڅ هم ترلاسه نه کړل او توانېي هم نه‌لري. نن ورځ امنيتي ځواکونو ثابته کړه چې د خلکو د بې‌درېغه ملاتړ سره بريا ستاسو وه.»

د دفاع وزارت دا چارواکي وايي چې د پخوا په پرتله اوس مهال افغان امنيتي ځواکونه زيات سمبال شوي او له هر ډول ترورېستي فعاليت سره د مبارزې وړتيا لري.

هغه وويل چې د بهرني نظامي سلاکارانو او نظامي مرسته کوونکو حضور په افغانستان کې افغان امنيتي ځواکونو ته د ترورېزم د له منځه وړلو په برخه کې مؤثر دی.

قدم شاه شهيم وويل چې د وارسا په غونډه کې هم د افغانستان متعهدينو يو ځل بيا تر ۲۰۲۰ ميلادي کال پورې له افغان امنيتي ځواکونو څخه د ميلياردونو ډالرو د مرستې په اعلان سره خپل ملاتړ نوی کړ.

د دفاع وزارت ستر درستيز په دې اند دی چې طالبان او نورې ترورېستي ډلې لا هم په هڅه کې دي ترڅو نا امنې رامنځته کړي، سياسي څېرې ترور شي او خپلو خونړيو حملو ته دوام ورکړي، خو افغان امنيتي قوتونه بايد دا ډول پېښو مخنيوی وکړي.

د دفاع وزارت لوی درستيز دغه راز زياته کړه:

«د افغانستان دښمنان په لوجوانه ډول د هېواد د ويجاړولو، مختلفو دسيسو، توپلونو او د سياسي شخصيتونو د وژلو په هڅه کې دي، هڅه کوي چې علما، روحانيون وژني. نو په وړاندې يې ستاسو وړتيا او قوت نور هم زيات شي.»

په داسې حال کې د دفاع وزارت چارواکي وايي چې د افغان امنيتي ځواکونو وړتياوې زياتې شوې چې په تازه‌گي سره د امريکا متحده ايالاتو ولسمشر بارک اوباما د افغان امنيتي ځواکونو د ملاتړ په مقصد تر يوه کال نور هم د خپلو پوځيانو حضور په افغانستان کې وځنډاوه. طالب وسله‌والو تر دې دمه د دفاع وزارت د لوی درستيز د يادو څرگندونو په اړه غبرگون نه‌دی ښودلی.

از طريق عمليات‌های تجسس هوایی با هواپیماهای آواکس شده است.

ناتو در عین حال هشدار داد که شکست نهایی داعش در سوریه تنها هنگامی ممکن خواهد بود که یک دولت مشروع در این کشور روی کار باشد و در عین حال خواهان انتقال قدرت سیاسی واقعی و سریع در سوریه شد.

همچنین ناتو ضمن تایید مشارکتش در ائتلاف مبارزه با داعش تاکید کرد که این مشارکت به معنی این نیست که ناتو نیز عضوی از این ائتلاف است. ناتو همچنین گفت که این ائتلاف همچنان به سیاست درهای باز متعهد است.

در بیانیه ناتو آمده است: ما به سیاست درهای باز ناتو که موجب تقویت این ائتلاف شده و به پیشبرد امنیت یورو-آتلانتیک کمک خواهد کرد پایبند خواهیم ماند.

این سند افزوده است: ما به دنبال استقبال از جدیدترین عضو ائتلاف خود یعنی کشور موته نگر و برای پیوستن به مجموعه ارزش‌های خودمان هستیم.

در بیانیه ناتو تاکید شد: ما به اروپایی که کلیت، آزادی و صلح خود را حفظ می‌کنند متعهد هستیم. ما از اوکراین و گرجستان حمایت‌های بیشتری به عمل خواهیم آورد و به کمک‌هایمان به جمهوری مولداوی نیز ادامه خواهیم داد. ما مشارکتیمان با شرکای خود در مناطق دریای سیاه و دریای بالتیک و همچنین بالکان غربی را افزایش خواهیم داد.

به جنگ با گروه تروریستی داعش و همچنین تمدید آموزش نظامی به نیروهای عراقی و اجرای عملیات‌های تجسس هوایی برای پشتیبانی از ائتلاف تحت رهبری آمریکا برای مبارزه با داعش شده است.

در بیانیه پایانی عنوان شد: تهدید جهانی تروریسم هیچ مرز، ملیت یا مذهبی نمی‌شناسد. ما آماده هستیم تا برای مقابله با این تهدید اقدامات بیشتر از جمله با کمک به شرکایمان در تامین امنیتشان و دفاع از خود در مقابل تروریست و انعطاف ایجاد کردن برای مقابله با حملات هستیم.

این در حالی است که ناتو همچنین متعهد به تداوم آموزش نیروهای عراقی با تمدید برنامه فعلی آموزش این نیروها در اردن شد. ناتو در آوریل ۲۰۱۶ در آموزش ۳۵۰ افسر ارتش عراق در اردن را آغاز کرد.

همچنین ائتلاف ناتو با اعلام حمایتش از دولت بغداد براهمیت وحدت ملی در این کشور به هدف شکست نهایی تروریسم تاکید کرد.

در بیانیه پایانی ناتو آمده است: مشارکت همه عراقی‌ها در فرآیند آشتی ملی و حکومت فراگیر ضروری است و ما به موجب آن مقامات عراق را تشویق می‌کنیم که به اجرای سیاست‌هایی به هدف رفع اختلافات مذهبی، فرقه‌ای و قومی ادامه داده و وجود نمایندگان فراگیر در همه نهادهای دولتی را تضمین کرده و نیروهای امنیتی این کشور را توسعه دهند.

همچنین ناتو اعلام کرد که متعهد به پشتیبانی از ائتلاف تحت رهبری آمریکا برای مبارزه با داعش

در حال تجزیه است. این یک راه اشتباه برای جامعه جهانی محسوب می‌شود.

وی افزود: بحران‌های جهانی و فردی بسیاری وجود دارند که بدون همکاری باقی مانده‌اند. این امر از سرگیری مذاکرات را ضروری می‌سازد.

گورباچف ادامه داد: با استقرار غیر مسئولانه چهار گردان چند ملیتی در مرزهای روسیه و در تیررس گولوه، ناتو یک جنگ سرد و یک رقابت تسلیحاتی دیگر را به تدریج به وجود می‌آورد. هنوز راه‌هایی برای اجتناب از اقدامات نظامی وجود دارد. به نظر من سازمان ملل باید در این مساله مداخله کند.

وی همچنین از مسکو خواست تا به این اقدامات تحریک آمیز پاسخ ندهد و در عوض به پای میز مذاکرات بیاید.

گورباچف تاکید کرد: در شرایط کنونی تمامی نیروهای سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و مذهبی باید در آرام کردن جهان مشارکت کنند. این را هم بگویم جنگ بعدی آخرین جنگ خواهد بود.



بود. من همچنان معتقدم که تصمیمات ناتو خطرناک و کوتاه بینانه هستند. چنین اقداماتی منجر به تنش و آشوب می‌شوند. اروپا در حال تجزیه است، جهان

گورباچف:

جنگ بعدی جنگ آخر خواهد بود

در ورشو خبر از تمایل اعلان جنگ به روسیه می‌دهد. آن‌ها فقط درباره دفاع حرف می‌زنند اما در حقیقت برای عملیات تهاجمی آماده می‌شوند.

این در حالی است که یونس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو گفت: تصمیم این ائتلاف برای سه برابر کردن حضور نظامی‌اش در شرق اروپا یک اقدام کاملاً دفاعی است. ناتو تهدیدی برای هیچ کشوری محسوب نمی‌شود. ما یک جنگ سرد جدید نمی‌خواهیم. ما به دنبال یک رقابت تسلیحاتی جدید نیستیم و به دنبال رویارویی نمی‌گردیم.

گورباچف در مصاحبه با شبکه رادیویی «اکو موسکوی» گفت: اگر این بحران به تدریج به یک جنگ دیگر گسترش یابد، این آخرین جنگ خواهد

آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق ناتو را به آماده شدن برای عملیات تهاجمی علیه روسیه متهم کرد.

به گزارش خبرگزاری رویترز، همزمان با برگزاری نشست ناتو در ورشو، پایتخت لهستان، میخائیل گورباچف، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی از تصمیم این ائتلاف برای استقرار ۴۰۰۰ نیروی بین‌المللی بیشتر در شرق اروپا انتقاد کرد.

همزمان با افزایش متناوب کشمکش‌های دیپلماتیک و مانورهای نظامی، تنش‌ها میان روسیه و کشورهای عضو ناتو به ویژه آمریکا نیز در حال افزایش است. گورباچف گفت: ناتو مقدمات برای گسترش جنگ سرد به جنگ گرم را آغاز کرده است. تمامی لفاظی‌ها